

نشست‌های برگزار شده در پژوهشکده علوم اقتصادی

عنوان نشست: نظام بانکی و فضای کسب و کار

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	پژوهشکده علوم اقتصادی
مسئول نشست:	دکتر محمدمهدی مجاهدی مؤخر (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۵/۱۱/۲۶
اعضای هیئت علمی:	دکتر سید محمدرضا سید نورانی، دکتر فتح اله تاری، دکتر محمد اسماعیل توسلی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر یحیی آل اسحاق (عضو اتاق بزرگانی تهران)، دکتر علیرضا گرشاسبی (مدیر گروه پژوهشی تامین مالی و سرمایه‌گذاری موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت)، دکتر محمود اللهیاری‌فرد (کارشناس خبره بانکی)
مسئله محوری نشست:	نقش نظام بانکی در فضای کسب‌وکار مثبت است و یا مانعی برای کسب‌وکار محسوب می‌شود.
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه کشور

چکیده مباحث طرح شده:

تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی یکی از الزامات کارکرد روان‌بخش واقعی اقتصاد محسوب می‌شود. پول به مثابه روغن در موتور محرکه اقتصاد گردش کالایی (و پولی) را تضمین می‌کند. همچنین قیمت پول (به عنوان بهره پولی) ضمن نقش علامت‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی اثر ویژه‌ای در عدم کارایی و تخصیص عوامل تولید دارد.

نظام تأمین مالی بانک محور اقتصاد ایران ضمن این که خود گرفتار معضلات پیچیده‌ای است باید وظیفه تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد کشور را نیز فراهم نماید. سؤال جدی این نشست از مدعوین (شامل نمایندگان از بخش واقعی خصوصی و دولتی اقتصاد ایران و نماینده حوزه بانکی) این بوده است که نقش نظام بانکی در فضای کسب و کار مثبت است و یا مانعی برای کسب و کار محسوب می‌شود.

بخش اول فضای حاکم بر بخش بانکی کشور

جایگاه نظام بانکی با توجه به گستردگی نقش و کارکردهای آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تعیین‌کننده و تأثیرگذار هست به طوری که حرکت چرخه اقتصادی کشوری بدون حضور نقش آفرینی بانک‌ها عملاً غیرممکن هست.

بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصادی هر کشوری در ارتباط با جذب و هدایت وجوه سپرده‌گذاران ارائه خدمت به شهروندان و مشارکت در توسعه اقتصادی نقش مؤثری دارند. در مقابل نیز یکی از ریشه‌های توسعه نیافتگی عدم توسعه بخش مالی به صورت کلی و سیستم بانکی به صورت خاص است. با اطمینان می‌توان ادعا نمود که کشورهای توسعه یافته و صنعتی از نظام مالی پیشرفته‌ای برخوردار هستند. این موضوع به روشنی اهمیت تحول نظام مالی در راستای توسعه و گسترش اقتصاد کشور را نشان می‌دهد. قابل توجه است که مطابق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله اقتصاد کشور بایستی از چنان رشد شتابان و مستمری برخوردار باشد که امکان دستیابی به مقام اول در بین کشورهای منطقه فراهم شود که بدون فراهم نمودن بسترهای ضروری این حرکت شتابان امکان‌پذیر نخواهد بود. از جمله بسترهای ضروری توسعه بخش مالی به عنوان موتور محرک اقتصادی است.

واقعیت‌های ناشی از تحلیل سوابق و عملکرد نظام بانکی مبتنی بر قانون بانکداری بدون ربا در طول ۲۷ سال گذشته بیانگر مواجهه نظام بانکی با پاره‌ای چالش‌ها و کاستی‌ها است. نوعاً این چالش‌ها در حوزه اجرا عبارت‌اند از:

۱. چالش‌های ساختاری و مدیریتی شامل:

۱. عدم تناسب ساختار نظام بانکی متناسب با تحولات اقتصادی کشور و جهان
۲. ناکارآمدی ساختارهای نظارتی در سیستم بانکی
۳. عدم تناسب و ناکافی بودن آموزش کارکنان نظام بانکی با مبانی بانکداری اسلامی
۴. عدم استفاده کافی از نظام تحقیق و توسعه (R&D)
۵. تعدد زیاد عقود
۶. عدم تناسب برخی عقود با ماهیت بانک‌ها (عدم تأکید بر وظیفه بانک‌های تخصصی)
۷. عدم به کارگیری ابزارهای نوین مالی اسلامی در سیستم بانک‌ها

۲. چالش‌های عملکردی شامل:

۱. عدم اجرای بازار غیر متشکل پولی و در نتیجه عدم رقابت صحیح
۲. محدودیت منابع بانک‌ها نسبت به تقاضای رو به رشد تسهیلات
۳. عدم رعایت الزامات کفایت سرمایه بانک‌ها و عدم تناسب نسبت‌های دارایی‌ها و بدهی‌ها
۴. کمبود سرمایه بانک‌ها
۵. ثبات و از پیش تعیین شده بودن سود تسهیلات بانکی به طوری که بانک‌ها در خسارت شریک نمی‌شوند و از سوی دیگر هنگامی که گیرندگان تسهیلات سودهای بالاتر کسب می‌کنند، بانک مکانیسمی برای گرفتن سهم بیشتر خود ندارد.
۶. بالا بودن هزینه تجهیز منابع و در نتیجه افزایش هزینه خدمات مالی
۷. اخذ جریمه تأخیر و وجه التزام بدون بررسی مقصربودن تسهیلات گیرندگان و یا بانک
۸. تحمیل تعهدات یک طرف در قراردادهای به نفع بانک بدون اطلاع واقعی مشتریان
۹. عدم توانایی کامل بانک‌ها در خصوص ارزیابی پروژه‌ها از ابتدا تا انتهای پروژه

۱۴۸ توصیه‌های سیاستی دانشگاه علامه طباطبائی به ...

۱۰. بالابودن هزینه اجرای صحیح برخی عقود در بانک‌ها (به سبب نیاز به متخصصین گوناگون در عرصه‌های مختلف برای کارشناسی و نظارت بر اجرا و ...)
۱۱. عدم جامعیت سپرده‌ها با اهداف و سلیقه‌های سپرده‌گذاران
۱۲. صوری بودن بسیاری از معاملات
۱۳. عدم جامعیت شاخص‌های ارزشیابی عملکرد بانک‌ها
۱۴. عدم شفافیت کامل صورت‌های مالی بانک‌ها
۱۵. عدم وجود رویه‌ها و نرم‌افزارهای حسابداری متناسب با بانکداری اسلامی
۱۶. عدم وجود فضای رقابت سالم در سیستم بانکی کشور
۱۷. بالابودن نسبت مطالبات غیر جاری (NPL) در سیستم بانکی
۱۸. گرایش سیستم بانکی به بنگاهداری به جای بانکداری
۱۹. عدم تناسب برخی عقود با مقاصد متقاضیان تسهیلات در نتیجه انحراف از قرارداد
۲۰. اموال مازاد بانک‌ها
۲۱. عدم هماهنگی کامل میان نظام بانکی و سایر نظام‌های مالی (بورس، بیمه، سرمایه‌گذاری خارجی، ...)
۲۲. عدم وجود نگاه تأمین مالی جامع در کشور
۲۳. عدم به کارگیری ابزارهای نوین مالی اسلامی در سیستم بانکی
۲۴. عدم تطابق کامل میان تحولات نظام بانکی و نظام حقوقی کشور
۲۵. محدودیت‌ها و چالش‌های ناشی از تحریم
۲۶. مشکلات ناشی از دستورات و تسهیلات تکلیفی
۲۷. عدم اجرای کامل سیستم جامع اطلاعات در سیستم بانکی
۳. نارسایی قوانین و مقررات نسبت به اجرای کامل نظام بانکداری اسلامی
 ۱. قانون عملیات بانکداری بدون ربا و نیاز به بازنگری آن
 ۲. قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ و لزوم بررسی مجدد آن

۳. قانون نحوه اداره امور بانک‌ها (با توجه به خصوصی شدن برخی بانک‌ها و احیاناً تعریف ساختارهای جدید نیاز به بازنگری جدی دارد)

بخش دوم فضای کسب و کار

محیط کسب و کار مبین آن دسته عواملی است که بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی تأثیر گذارند، اما خارج از کنترل بنگاه قرار دارند. بهبود محیط کسب و کار نقش تعیین کننده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی از طریق فراهم کردن شرایط رقابت پذیری و بستر سازی مناسب برای ورود مؤثر بخش خصوصی در اقتصاد کشور ایفا می کند و گامی اساسی در جهت توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی، تولید و سطح اشتغال در کشور محسوب می شود. یکی از چالش های پیش روی نظام بانکی کشور همواره مدیریت منابع (سپرده ها) و مصارف (تسهیلات ارزی و ریالی) بانک ها بوده است. افزایش نسبت تسهیلات به سپرده ها که در نتیجه سیاست های انبساطی پولی و برداشت بی رویه بانک ها از منابع بانک مرکزی اتفاق افتاد یک عامل مهم کاهش بهره وری این منابع و التهابات بازار دارایی هایی همچون طلا و ارز شد. از این رو این امر منجر به پایین آمدن بهره وری تسهیلات بانکی و التهاب بازارهای طلا و ارز گردیده و تأثیر منفی بر محیط کسب و کار گذاشته است.

تأمین مالی بانک محور کسب و کارهای تولیدی: در بحث کسب و کارهای تولیدی ابتدا باید گفت که بسیاری از واحدهای تولیدی کشور کوچک و متوسط هستند. در تعریف واحدهای کوچک و متوسط، بنگاه های با کارکنان ۱۰۰ نفر و کمتر واحد تولیدی کوچک یا متوسط نامیده می شود. مطابق آمار تا پایان سال ۱۳۹۴، ۹۰ درصد از بنگاه های تولیدی کشور کوچک و یا متوسط بوده اند. همچنین ۸۵ درصد از واحدهای صنعتی کشور کوچک و متوسط اند. ویژگی بارز این واحدهای کوچک سهم بالای اشتغال زایی در آن است به نحوی که یک سوم اشتغال در بخش صنعت و معدن مربوط به این واحدها است.

بررسی های متعددی برای احصاء و تحلیل مشکلات این بنگاه های کوچک و متوسط انجام شده است. در بررسی بانک جهانی در مورد شاخص DOING AND BUSINESS رتبه ایران

در زمینهٔ اخذ اعتبار ۱۰۱ و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خرد ۱۶۵ است. این رتبه در منطقه هم مناسب نبوده است. مطالعه موسسه تأمین مالی بین‌المللی IFC در سال ۲۰۱۰ نیز بیانگر عدم دسترسی به تأمین مالی در میان ۶۰ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور است. مطابق مطالعه شهرک‌های صنعتی وزارت صمت از مجموع ۳۷ هزار واحد صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی بیش از ۷ هزار واحد صنعتی کوچک و متوسط تعطیل شده است که دلیل ۷۱ درصد از تعطیلی این واحدها کمبود منابع نقدینگی است. این در حالی است که نقدینگی در سال ۱۳۹۴، ۳۱ درصد رشد را تجربه نموده است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در تحقیقی رتبه اول مشکلات بخش صنعت و معدن را در تأمین مالی آن می‌داند.

این در حالی است که رکن مهم زنجیره کارکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط با نقش اشتغال‌زای بالای آن برای رشد اولیه و بلوغ واحدهای تولیدی تأمین مالی بانکی است.

بانک محوری در تأمین مالی به دلایل زیر تکافوی فضای کسب و کار نیست:

۱. عمق پایین بازار پول و اعتبار در تأمین مالی بانک محور به طوری که نسبت اعتبارات بانکی به تولید ناخالص داخلی ارسال‌های متمادی ۵۰ درصد بوده است.
۲. تسهیلات غیر جاری و اعطای وام‌های کوتاه و میان‌مدت، در حالی که بنگاه تولیدی نیاز به وام بلندمدت دارد.
۳. مداخلات دولت برای تأمین مالی دولتی و اثر تزاممی آن بر بخش واقعی که نتیجه آن تسلط مالی دولت بر نظام تأمین مالی بانک محور شده است.
۴. نرخ‌های سود سپرده تعریف شده در شورای پول اعتبار برای نظام بانکی رقیب بخش تولید است.
۵. سیاست پولی بانک مرکزی در شرایط تورمی و غیر تورمی یکسان اعمال شده است و پالس و علامتی برای تحریک تولید و بهبود فضای کسب و کار نبوده است.
۶. عدم آشنایی و یا عدم اقبال به بازار سرمایه از طرف صاحبان بنگاه‌های اقتصادی
۷. تمرکز فعالان اقتصادی به تأمین مالی از طریق شبکه بانکی علی‌رغم وجود تنوع در

ابزارهای مالی

۸. عدم استفاده از روش‌های مختلف افزایش سرمایه
۹. تأکید زیاد طرح‌های ارتقاء نظام مالی و نظام بانکی، بر رویکردهای ایجاد تحول در نهادها و فرایندهای بازار سرمایه و نظام بانکی و همچنین تسهیل زمینه‌های تزریق منابع مالی بیشتر به بنگاه‌های اقتصادی و کم‌توجهی به برخی ملاحظات ناظر بر محیط قانونی، اجرایی و عملیاتی فعالیت بنگاه‌های اقتصادی که موجب محدود شدن جریان مالی به بنگاه، حبس نقدینگی و جهت‌دهی نامناسب منابع مالی می‌شود.
۱۰. عدم استفاده مناسب از ظرفیت‌های منابع مالی خارجی

توصیه‌های سیاستی :

۱. نظام بانکی به‌عنوان متولی اصلی تأمین مالی اقتصاد ایران بر پایه بانکداری ذخیره جزئی استوار است. این ساختار بر پذیرش سپرده و خلق اعتبار بانکی فعالیت می‌کند. دریافت وجه سپرده در قبال تعهد و الزام پرداخت و تودیع سپرده در بستری که مکانیسم اعتبار بانکی، سپرده اولیه را به چند برابر افزایش می‌دهد فعالیت بانکداری و نظام تأمین مالی بانک محور را با چالش مواجه می‌سازد. تعیین نرخ سود برای تنظیم ورودی منابع و خروجی تسهیلات تأثیرات سوئی بر تورم و فعالیت‌های واقعی اقتصاد خواهد داشت. از این رو بهبود فضای کسب و کار مستلزم اصلاح نظام بانکی است.
۲. تعیین کف نرخ سود فعالیت‌های سودآور اقتصادی در بخش حقیقی را با این معما و در نهایت انتخاب مواجه می‌سازد که آیا سودی با منشأ تولید را انتخاب نماید و یا سودی با منشأ سپرده بانکی. نتیجه چنین فرایندی محدودیت تولید و اشتغال و گسترش افسارگسیخته نظام بانکی است. تغییر علائق سرمایه‌گذاری باهدف اشتغال و تولید به سمت علائق نظام بانکی باهدف بازگشت سریع‌تر سرمایه و ریسک کمتر تولید، دوگانگی پررنگی را در فضای توسعه‌نیافتگی کشور نمایان می‌سازد. بیکاری و فقر در کنار تجدد و گسترش اقتصاد غیر تولیدی. ضروری است برای بهبود فضای کسب و کار نظام بانکداری محدود NARROW BANKING به‌منظور بهبود و تسریع در تجهیز منابع و

تخصیص آن با نگرانی کمتر از ناحیه ایفای تعهد سپرده‌گذاران و تمرکز و وابستگی بر نرخ سود اقدام شود.

۳. نظام تأمین مالی بانک محور برای صاحبان کسب و کار یک مزیت دارد و آن عدم شراکت دادن تأمین‌کنندگان مالی آنان و عدم پاسخ‌گویی به سهام‌داران احتمالی در قبال فعالیت آنان است. درحالی‌که عدم تنوع پرداخت تسهیلات مطابق اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و عمدتاً طولانی‌تر بودن مراحل بهره‌برداری از تسهیلات بانکی ضمن این‌که منابع بانکی را در کسب و کار حبس می‌سازد. امکان اصابت به هدف تسهیلات و پاسخ‌گویی مجری فعالیت را به حداقل کاهش می‌دهد. لذا ضروری است ضمن نهادسازی و ارتقاء بازار سرمایه و عقود جدید، روش‌های جایگزین تأمین مالی به‌ویژه تأمین مالی زنجیره‌ای مدنظر قرار گیرد.

۴. خلق اعتبار بانکی دامنه وسیعی از اشکالات مترتب بر نظام بانکی را ایجاد کرده است. خلق اعتبار از هیچ، تأثیر گزاری بر سطح عمومی قیمت‌ها، تثبیت نرخ بهره بانکی، سفته‌بازی زمین و ساختمان و طلا و ارز و رونق‌بخش خدمات و بازرگانی و دلالتی، اهمیت کمتر به نظام تولید و عدم برآورده ساختن نیازهای بنگاه‌های تولیدی، برخی از این مشکلات هستند. نتیجه این شده است که نظام بانک محور تأمین مالی به دلیل نقش جذاب خود در خلق اعتبار همواره بر رشد قیمت، اقبال به سمت دارایی‌های ذاتاً با ارزش تأثیر گذاشته و تقاضا برای تسهیلات و وام را بیش از عرضه تسهیلات نموده است. تمامی سیاست‌های تأمین مالی بانک محور حول تخصیص منابع قرار گرفته‌اند. این‌که چگونه می‌توان به بخش تولیدی و فضای کسب و کار وام اعطا کرد؟ یک سؤال اساسی و محوری است. تضمینی وجود ندارد که فضای کسب و کار همه تسهیلات را در جای گاه اصلی خود مصروف دارد و به انجام مبادلات سفته‌بازی مطابق آنچه مذکور شد منحرف نشود. راه‌حلی که به نظر می‌رسد در تمامی تحلیل‌های مرتبط با موضوع نشست مغفول مانده است کاهش سطح تقاضا برای وام و اعتبار بانکی است. این سیاست دقیقاً نقطه مقابل سیاست مدیریت نقدینگی و تجهیز و هدایت نقدینگی در مسیر تولید است که حداقل

به‌طور مستقیم وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی با آن درگیرند و سایر وزارتخانه‌های اقتصادی دغدغه آن را دارند. کاهش سطح تقاضای تسهیلات نیازمند سیاستی پولی و الزامات نهادی در بخش حقوق مالکیت زمین و میزان آزادی عمل جامعه در مبادلات طلا و ارز است. سیاست پولی باید نرخ بهره واقعی را کشف و نرخ بهره طبیعی (نرخ‌ی که در آن بیکاری غیرارادی در حداقل است) را هدف‌گیری نماید و در میان‌مدت شکاف این دو نرخ را کاهش دهد. این اقدام مستلزم جلوگیری بانک مرکزی از ایجاد خلق اعتبار بر پایه تعهد و بدهی بانکی است. در حوزه الزامات حقوقی حداقل می‌توان اذعان نمود که هیچ تحقیقی در باب مقایسه تطبیقی بانکداری ذخیره جزئی و الزامات مالکیت زمین و مسکن و نیز طلا و ارز در بین کشورهای مختلف و ازجمله ایران انجام نگرفته است.